

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Examining the Legal Gap Regarding the Use of Covert Imaging Devices in Airport Environments and the Necessity of Criminalization in Iranian Law with a Jurisprudential Approach

Sadegh Ashrafi^{1*}

1. MA, Department of Criminal Law and Criminology, Isl.C., Islamic Azad University, Islamshahr, Iran

* Corresponding Author's Email: Dr.sadeghashrafi@gmail.com

ABSTRACT

The advancement of modern technologies and the proliferation of imaging devices embedded in everyday objects such as glasses, pens, watches, and similar equipment have generated new challenges in the domains of privacy protection and public security. Airport environments, due to their specific security characteristics, the extensive presence of citizens, and the deployment of protective systems, are considered highly sensitive spaces in which the use of covert imaging devices may lead to consequences such as the disclosure of security-related information, violation of passengers' privacy, and even the identification of security personnel. Despite the significance of this issue, an examination of the Iranian legal system indicates the absence of specific regulations governing the possession or use of objects equipped with hidden cameras in airport environments, and existing laws primarily address the criminal outcomes rather than criminalizing preparatory conduct. The present study, employing a descriptive-analytical method, examines the existing regulations and analyzes the legal gap in this field, while also elucidating the necessity of adopting a preventive criminal policy and enacting specific criminalization measures in this regard. The findings of the study demonstrate that criminalizing the possession and use of covert imaging devices in airport environments can play an effective role in preventing security threats and safeguarding privacy.

Keywords: Privacy, Airport Security, Criminalization, Covert Imaging, Criminal Policy, National Security

How to cite: Ashrafi, S. (2027). Examining the Legal Gap Regarding the Use of Covert Imaging Devices in Airport Environments and the Necessity of Criminalization in Iranian Law with a Jurisprudential Approach. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 5(3), 1-19.



تاریخ ارسال: ۱ دی ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۴ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۱ مرداد ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ شهریور ۱۴۰۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

بررسی خلأ قانونی استفاده از ابزارهای تصویربرداری مخفی در محیط‌های فرودگاهی و ضرورت جرم‌انگاری در حقوق ایران با رویکردی بر فقه

صادق اشرفی^۱*

۱. کارشناسی ارشد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Dr.sadeghashrafi@gmail.com

چکیده

پیشرفت فناوری‌های نوین و توسعه ابزارهای تصویربرداری در قالب اشیای روزمره نظیر عینک، خودکار، ساعت و سایر تجهیزات مشابه، چالش‌های جدیدی در حوزه حمایت از حریم خصوصی و امنیت عمومی ایجاد کرده است. محیط‌های فرودگاهی به دلیل ویژگی‌های خاص امنیتی، حضور گسترده شهروندان و استقرار تجهیزات حفاظتی، از جمله فضاهای حساس محسوب می‌شوند که استفاده از ابزارهای تصویربرداری مخفی در آن‌ها می‌تواند پیامدهایی نظیر افشای اطلاعات امنیتی، نقض حریم خصوصی مسافران و حتی شناسایی نیروهای امنیتی را در پی داشته باشد. با وجود اهمیت موضوع، بررسی نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد مقررات خاصی در خصوص حمل یا استفاده از اشیای مجهز به دوربین مخفی در محیط‌های فرودگاهی وجود ندارد و قوانین موجود عمدتاً ناظر بر نتایج مجرمانه بوده و رفتارهای مقدماتی را جرم‌انگاری نکرده‌اند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی ضمن بررسی مقررات موجود، به تحلیل خلأ قانونی در این حوزه پرداخته و ضرورت تدوین سیاست جنایی پیشگیرانه و جرم‌انگاری خاص در این زمینه را تبیین می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد جرم‌انگاری حمل و استفاده از ابزارهای تصویربرداری مخفی در محیط‌های فرودگاهی می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از تهدیدات امنیتی و حمایت از حریم خصوصی ایفا نماید.

کلیدواژگان: حریم خصوصی، امنیت فرودگاه، جرم‌انگاری، تصویربرداری مخفی، سیاست جنایی، امنیت ملی

نحوه استناددهی: اشرفی، صادق. (۱۴۰۶). بررسی خلأ قانونی استفاده از ابزارهای تصویربرداری مخفی در محیط‌های فرودگاهی و ضرورت جرم‌انگاری در حقوق ایران با رویکردی بر فقه.

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۵(۳)، ۱-۱۹.

تحلیل‌های نظری حقوق کیفری با عنوان غلبه رویکرد نتیجه‌محور مورد اشاره قرار گرفته است (Duff, 2018). این وضعیت می‌تواند نشانه‌ای از خلأ تقنینی در مواجهه با فناوری‌های نوین تلقی گردد؛ خلأیی که در حوزه‌های مرتبط با امنیت عمومی، اهمیت بیشتری می‌یابد، زیرا سیاست جنایی پیشگیرانه بر مداخله زودهنگام و کنترل خطرات بالقوه تأکید دارد (Zedner, 2016). از سوی دیگر، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها اقتضا می‌کند که حدود رفتارهای ممنوع به‌طور صریح و شفاف تعیین گردد؛ امری که در مواجهه با پدیده‌های فناورانه نوظهور چالش‌های خاصی ایجاد می‌کند (Ashworth & Zedner, 2014). بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا چارچوب تقنینی موجود در حقوق ایران حمایت کیفری کافی در برابر استفاده از ابزارهای تصویربرداری مخفی در محیط‌های فرودگاهی فراهم کرده است یا خیر.

در عین حال، بررسی تحلیلی مقررات کیفری ایران نشان می‌دهد که قانون‌گذار در مواجهه با پدیده‌های فناورانه نوین، عمدتاً رویکردی نتیجه‌محور اتخاذ نموده و رفتارهای واجد خطر بالقوه را به‌طور مستقل موضوع جرم‌انگاری قرار نداده است؛ رویکردی که در ادبیات حقوق کیفری از آن به «غلبه الگوی واکنشی پسینی» تعبیر می‌شود (Ashworth & Zedner, 2014).

پژوهش حاضر با تمرکز بر این مسئله، در پی پاسخ به این پرسش بنیادین است که آیا چارچوب تقنینی موجود در حقوق ایران حمایت کیفری کافی در برابر استفاده از ابزارهای تصویربرداری مخفی در محیط‌های فرودگاهی فراهم می‌آورد یا خیر. فرضیه اصلی تحقیق آن است که مقررات کیفری موجود، به دلیل فقدان جرم‌انگاری صریح رفتارهای فناورانه و مقدماتی، از کارآمدی لازم در مواجهه با مخاطرات نوظهور برخوردار نیستند.

نوآوری این پژوهش در تحلیل مستقل پدیده ابزارهای تصویربرداری مخفی در محیط‌های فرودگاهی و صورت‌بندی آن

تحولات فناوری در دهه‌های اخیر موجب تغییرات بنیادین در شیوه‌های تولید، انتقال و ذخیره اطلاعات شده است. توسعه ابزارهای تصویربرداری کوچک، قابل حمل و غیرقابل تشخیص که در قالب اشیای متعارف و روزمره طراحی می‌شوند، امکان ثبت و انتقال اطلاعات تصویری بدون آگاهی افراد را فراهم ساخته است. این تحولات، اگرچه از منظر توسعه فناوری دارای آثار مثبت فراوانی است، اما در عین حال چالش‌های جدی در حوزه حریم خصوصی و امنیت ایجاد کرده است (Ashworth & Zedner, 2014). در میان فضاها، عمومی، محیط‌های فرودگاهی به دلیل ویژگی‌های خاص خود از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. این محیط‌ها علاوه بر کارکرد حمل‌ونقل عمومی، از حیث امنیتی نیز اهمیت مضاعفی دارند؛ زیرا وجود تجهیزات حفاظتی، کنترل‌های چندلایه و استقرار نیروهای امنیتی، آن‌ها را به یکی از حساس‌ترین فضاها، عمومی تبدیل کرده است (Ashraf-i, 2021). ظهور ابزارهای تصویربرداری مخفی که در قالب اشیای متعارف طراحی می‌شوند، موجب افزایش امکان تصویربرداری نامحسوس در محیط‌های عمومی شده است. ویژگی‌هایی نظیر قابلیت استتار، اندازه کوچک و امکان انتقال سریع داده‌ها، این ابزارها را از منظر حقوقی و جرم‌شناختی قابل توجه ساخته است (Najafi, 2019). در محیط‌های حساس امنیتی، از جمله فرودگاه‌ها، استفاده از چنین ابزارهایی می‌تواند پیامدهایی فراتر از نقض حریم خصوصی فردی داشته باشد و به حوزه امنیت عمومی و ملی تسری یابد. ادبیات امنیت هوانوردی نشان می‌دهد که ثبت و افشای اطلاعات مربوط به تدابیر حفاظتی می‌تواند واجد آثار مخاطره‌آمیز باشد (Ashraf-i, 2021). با وجود اهمیت این موضوع، بررسی نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد مقررات کیفری موجود عمدتاً ناظر بر نتایج زیان‌بار رفتارهای مجرمانه بوده و کمتر به رفتارهای مقدماتی یا خطرآفرین پرداخته‌اند. این ویژگی در

تحلیل‌های نوین جرم‌شناختی درباره نقش فناوری در ظهور مخاطرات جدید نیز همسو است (Najafi Abbrandabadi, 2019). در عین حال، در ادبیات حقوق کیفری معاصر نیز تأکید شده است که ارزش حقوقی ابزارها در نسبت آن‌ها با خطرات قابل انتساب به رفتار انسانی معنا می‌یابد (Duff, 2018).

مبانی نظری و چارچوب مفهومی پژوهش

مفهوم و قلمرو حریم خصوصی در فقه و حقوق کیفری

اصل بنیادین در تعریف «حریم» که به محدوده محصور پیرامون ملک یا منبعی خاص اطلاق شده و تصرف در آن برای دیگران ممنوع است، نزد فقهای امامیه، چه متقدم و چه متأخر، بر اصل «عدم جواز احیاء یا تصرف در حریم متعلق به دیگری» استوار است. برخی بزرگان، همچون صاحب جامع المقاصد، مدعی اجماع بر این قاعده شده و آن را در مرتبه‌ای بالاتر از نص روایات دانسته‌اند (Karaki, 1991). علامه حلی نیز در تذکره بر عدم وجود مخالف در این باب تأکید ورزیده است (Helli, 1980). با این حال، تحلیل دقیق‌تر نشان می‌دهد که این اجماع، غالباً «اجماع مدرکی» بوده و مستند اصلی آن، نه خود اجماع، بلکه ادله نقلی معتبر و استدلال‌های عقلی است که فقها بر آن تکیه کرده‌اند. در ادبیات حقوق کیفری معاصر، حریم خصوصی به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین شخصیت شناخته می‌شود و دامنه آن محدود به اماکن خصوصی نیست، بلکه به انتظارات مشروع اشخاص از عدم مداخله یا نظارت غیرموجه نیز تسری یافته است (Guldouzian, 2017). حریم خصوصی یکی از مفاهیم بنیادین در حقوق عمومی و کیفری نوین محسوب می‌شود و صرفاً به اماکن خصوصی محدود نمی‌گردد. این مفهوم ناظر بر انتظارات مشروع افراد از عدم مداخله یا نظارت غیرموجه دیگران است. بر این اساس، حتی در فضاهای عمومی نیز افراد ممکن است از سطحی از حمایت حریم خصوصی برخوردار باشند، به‌ویژه زمانی

در چارچوب جرم‌انگاری مبتنی بر خطر و سیاست جنایی پیشگیرانه در حقوق کیفری ایران است؛ رویکردی که در ادبیات حقوقی معاصر در چارچوب نظریه خطر مورد توجه قرار گرفته است (Zedner, 2016).

روش تحقیق

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و مطالعات تطبیقی انجام شده است.

پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی در حقوق کیفری ایران به حمایت از حریم خصوصی، جرائم علیه اشخاص و تأثیر فناوری بر بزهکاری پرداخته‌اند. در حوزه مبانی نظری، نویسندگانی نظیر اردبیلی (۱۳۹۸) و گلدوزیان (۱۳۹۶) به اصول جرم‌انگاری و محدودیت‌های مداخله کیفری توجه نموده‌اند و در آثار جرم‌شناختی نیز نقش تحولات فناورانه در ظهور اشکال جدید مخاطرات اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است (Najafi Abbrandabadi, 2019). با این حال، بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که تحلیل اختصاصی ابزارهای تصویربرداری مخفی، به‌ویژه در بستر محیط‌های فرودگاهی و در چارچوب جرم‌انگاری مبتنی بر خطر، کمتر موضوع پژوهش مستقل قرار گرفته است.

ماهیت حقوقی ابزارهای تصویربرداری مخفی

ابزارهای تصویربرداری مخفی ذاتاً خنثی‌اند، اما حقوق کیفری بر کارکرد خطرآفرین و نقش آن‌ها در تسهیل رفتار زیان‌بار مداخله می‌کند (Guldouzian, 2017). ابزارهای تصویربرداری مخفی با پنهان‌کاری، آگاهی افراد را سلب کرده و حریم خصوصی را نقض می‌کنند؛ امری که در حقوق کیفری ایران پذیرفته شده است (Guldouzian, 2017).

ابزارهای تصویربرداری مخفی علاوه بر نقض حریم خصوصی، ظرفیت امنیتی بالایی داشته و می‌توانند تسهیل‌گر جرائم دیگر باشند (Mirmohammad Sadeghi, 2020). این رویکرد با

ثبت پنهانی رفتار خود دارند، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند (Mirmohammad Sadeghi, 2020).

امنیت عمومی و امنیت ملی به عنوان ارزش‌های مورد حمایت حقوق کیفری

امنیت عمومی در حقوق کیفری ناظر بر وضعیت مصونیت جامعه از تهدیدات علیه نظم، آسایش و منافع اساسی شهروندان است و از جمله ارزش‌هایی محسوب می‌شود که مداخله کیفری در جهت صیانت از آن توجیه می‌گردد (Guldouzian, 2017). در سطح کلان‌تر، امنیت ملی به حفاظت از ساختارهای بنیادین، استقلال و کارکرد نهادهای حیاتی کشور مربوط می‌شود (Najafi Abbrandabadi, 2019).

امنیت عمومی از مهم‌ترین ارزش‌هایی است که حقوق کیفری در پی حمایت از آن است. این مفهوم به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن افراد جامعه از تهدیدات علیه جان، مال، حیثیت و آزادی‌های مشروع خود مصون باشند. امنیت ملی نیز ناظر بر حفظ استقلال، تمامیت ارضی و کارکرد نهادهای اساسی دولت است (Guldouzian, 2017).

مفهوم امنیت در ادبیات حقوقی و جرم‌شناختی، ماهیتی ایستا نداشته و متناسب با تحولات اجتماعی و فناورانه دچار توسعه مفهومی شده است؛ به گونه‌ای که امروزه امنیت صرفاً به ابعاد نظامی یا سرزمینی محدود نبوده، بلکه حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، اطلاعاتی و حتی روانی را نیز دربر می‌گیرد (Najafi Abbrandabadi, 2019).

پیچیدگی مفهومی امنیت زمانی آشکارتر می‌شود که آن را در نسبت با خطرها و تهدیدهای نوظهور تحلیل نماییم. تغییر ماهیت تهدیدها در جهان معاصر موجب شده است جلوه‌های جدیدی از امنیت، از جمله امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی و امنیت اطلاعات، در قانون توجه سیاست جنایی قرار گیرد (Najafi Abbrandabadi, 2019).

که نظارت یا ثبت اطلاعات به صورت نامحسوس و بدون اطلاع آنان صورت گیرد (Guldouzian, 2017).

به طور کلی، حریم خصوصی به قلمرویی از زندگی فردی اطلاق می‌شود که مداخله در آن بدون رضایت شخص یا مجوز قانونی موجه، نامشروع تلقی می‌گردد. این قلمرو می‌تواند شامل اطلاعات شخصی، ارتباطات، رفتارهای فردی و حتی تصویر اشخاص باشد. اهمیت این مفهوم در حقوق کیفری از آن جهت است که بسیاری از نظام‌های حقوقی معاصر، تعرض به حریم خصوصی را به عنوان یکی از مصادیق نقض حقوق بنیادین شهروندان به رسمیت شناخته‌اند (Guldouzian, 2017).

در نظام حقوقی ایران، با وجود عدم ارائه تعریف تقنینی جامعی از حریم خصوصی، اصول متعددی در قانون اساسی به طور ضمنی بر حمایت از این ارزش تأکید دارند. اصل ۲۲ قانون اساسی، حیثیت، جان، مال و مسکن اشخاص را مصون از تعرض دانسته و اصل ۲۵ نیز هرگونه تجسس در مکاتبات و ارتباطات را ممنوع اعلام می‌کند. این اصول، پذیرش هنجاری حریم خصوصی در چارچوب حقوق اساسی کشور را نمایان می‌سازند (Guldouzian, 2017).

تحولات فناورانه سال‌های اخیر، مرزهای حریم خصوصی را پیچیده‌تر ساخته است. ابزارهای نوین ضبط و ثبت داده، امکان نظارت و تصویربرداری پنهان را به طور قابل توجهی افزایش داده‌اند. در چنین شرایطی، تمایز میان ضبط آشکار و ضبط مخفیانه از اهمیت حقوقی بالایی برخوردار است، زیرا عنصر آگاهی و رضایت اشخاص می‌تواند در ارزیابی مشروعیت رفتار نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند. در این چارچوب، استفاده از ابزارهای تصویربرداری مخفی، به ویژه زمانی که قابلیت استتار داشته و بدون اطلاع اشخاص به کار گرفته شوند، می‌تواند با انتظارات مشروع افراد از حریم خصوصی تعارض یابد. این مسئله در فضاهای عمومی حساس یا موقعیت‌هایی که اشخاص انتظار متعارف از عدم

فرودگاه‌ها به سبب نقش حیاتی و حضور شهروندان و تجهیزات حفاظتی، اهمیت امنیتی مضاعف دارند و افشای اطلاعات، امنیت عمومی - ملی را تهدید می‌کند (Guldouzian, 2017).

ابزارهای تصویربرداری مخفی در محیط‌های حساس، اطلاعات رویه‌های امنیتی را جمع‌آوری کرده و امنیت ملی را به دلیل ارتباط مستقیم با منافع عمومی تهدید می‌کنند (Mirmohammad, Sadeghi, 2020).

در محیط‌های حساس، محدودیت‌های رفتاری مانند منع تصویربرداری باید ضروری، متناسب و قانونی باشند و مداخله دولت نیازمند توجیه باشد (Ashworth, 2015).

بر این اساس، تصویربرداری غیرمجاز در اماکن حساس می‌تواند واجد ابعاد کیفری گردد، اما فقدان مقررات خاص درباره ابزارهای تصویربرداری مخفی، می‌تواند خلأیی در تأمین کارآمد امنیت این محیط‌ها ایجاد نماید.

آسیب‌شناسی حقوقی و اجتماعی

تهدید حریم خصوصی شهروندان

حتی در فضاهای عمومی، استفاده از ابزارهای تصویربرداری مخفی حریم خصوصی را نقض کرده و انتظارات مشروع افراد را نادیده می‌گیرد (Guldouzian, 2017).

ضبط پنهانی تصویر بدون آگاهی و رضایت، احساس امنیت ذهنی را کاهش داده و ادراک نظارت نامرئی و پیامدهای اجتماعی منفی ایجاد می‌کند (Welsh & Farrington, 2012). چنین وضعیتی می‌تواند اعتماد اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار دهد؛ زیرا ادراک امکان نظارت مخفیانه، مناسبات متعارف اجتماعی را دچار اختلال کرده و احساس آزادی رفتاری افراد را محدود می‌سازد (Zedner, 2016).

افشای هویت نیروهای امنیتی و انتظامی

ابزارهای تصویربرداری مخفی با امکان افشای هویت مأموران، کارایی تدابیر امنیتی را تضعیف می‌کنند. طبق نظریه‌های

جرم‌انگاری مبتنی بر خطر، چنین رفتارهای تهدیدآمیز می‌توانند مبنای مداخله تقنینی قرار گیرند (Duff, 2018). محیط‌های فرودگاهی به دلیل ماهیت امنیتی خود، نسبت به چنین مخاطراتی حساسیت مضاعف دارند.

جاسوسی صنعتی و اقتصادی

ابزارهای تصویربرداری مخفی با ضبط نامحسوس اطلاعات حساس فنی و عملیاتی، به ابزاری برای جرائم سازمان‌یافته و و اقتصادی

ابزارهای تصویربرداری مخفی با ضبط نامحسوس اطلاعات حساس فنی و عملیاتی، به ابزاری برای جرائم سازمان‌یافته و مبتنی بر اطلاعات تبدیل می‌شوند (Najafi Abbrandabadi, 2019). از این منظر، تصویربرداری مخفی می‌تواند واجد کارکردی فراتر از نقض حریم خصوصی بوده و به حوزه مخاطرات اقتصادی و امنیتی تسری یابد.

اخلال در نظم عمومی و امنیت پرواز از دیدگاه فقه

در اسلام، اصل «لا ضرر و لا ضرار» که در حدیثی از پیامبر (ص) نقل شده است، بر منع هرگونه ضرر و زیان تأکید دارد. این اصل به این معناست که هر ضرری که در خارج از نظم شرعی وجود داشته باشد، باید ممنوع و مرتفع گردد (Marashi, 2005).

تصویربرداری غیرمجاز از مناطق و تجهیزات امنیتی می‌تواند نظم و امنیت پرواز را مختل کند و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه متناسب برای حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی را توجیه می‌کند (Ashworth, 2015). این رویکرد با اصل «لا ضرر» در فقه اسلامی همخوانی دارد، زیرا هدف اصلی در اینجا، حفظ امنیت جامعه و جلوگیری از وقوع هرگونه ضرر و زیان احتمالی است که امنیت پروازها و در نتیجه، جان و مال افراد را تهدید می‌کند. بنابراین، جرم‌انگاری تصویربرداری غیرمجاز در این مناطق، در راستای اجرای این اصل و حفظ منافع عمومی جامعه صورت می‌گیرد.

سیاست جنایی پیشگیرانه و ضرورت مداخله زودهنگام

وقوع جرم، وابسته به ارزیابی خطر بالقوه و ارزش‌های محافظت‌شده است (Duff, 2018).

با توجه به حساسیت امنیتی محیط‌های فرودگاهی، می‌توان استدلال کرد که استفاده نامحسوس از ابزارهای تصویربرداری مخفی در این محیط‌ها، به دلیل ظرفیت بالقوه افشای تدابیر حفاظتی یا نقض حریم خصوصی اشخاص، می‌تواند موضوع جرم‌انگاری پیشگیرانه قرار گیرد (Ashworth & Zedner, 2014).

اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و ضرورت تصریح تقنینی اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها از بنیادی‌ترین اصول حقوق کیفری است. مطابق این اصل، هیچ رفتاری جرم محسوب نمی‌شود مگر آنکه قانون‌گذار آن را به‌طور صریح و شفاف پیش‌بینی کرده باشد (Guldouzian, 2017).

کارکرد اصلی این اصل، تضمین امنیت حقوقی شهروندان و جلوگیری از تفسیر موسع و سلیقه‌ای در قلمرو کیفری است (Guldouzian, 2017). با این حال، پویایی تحولات اجتماعی و فناوریانه ایجاب می‌کند که قانون‌گذار نسبت به پدیده‌های نوظهور واکنش تقنینی مناسب نشان دهد. در غیر این صورت، خلأ تقنینی می‌تواند منجر به ابهام در شناسایی رفتار مجرمانه، تشتت رویه قضایی و کاهش کارآمدی حمایت کیفری گردد (Ashworth, 2015). در حوزه ابزارهای تصویربرداری مخفی در محیط‌های فرودگاهی، نبود مقررات خاص می‌تواند قابلیت پیش‌بینی‌پذیری و قطعیت حقوقی را تضعیف نماید؛ امری که خود با فلسفه اصل قانونی بودن در تعارض قرار می‌گیرد.

فناوری‌های نوین و چالش‌های حقوق کیفری

پیشرفت فناوری همواره نظام‌های حقوقی را با چالش‌های مفهومی و اجرایی مواجه ساخته است. ابزارهای الکترونیکی کوچک، قابلیت انتقال سریع داده و امکان نظارت نامحسوس، الگوهای سنتی کنترل کیفری را با محدودیت‌هایی روبه‌رو کرده‌اند (Husak, 2008).

سیاست جنایی به‌عنوان مجموعه تدابیر تقنینی، قضایی و اجرایی جهت مقابله با جرم و پیشگیری از آن تعریف می‌شود. در رویکردهای نوین حقوق کیفری، پیشگیری از جرم جایگاهی محوری یافته و قانون‌گذار می‌کوشد پیش از تحقق آسیب، از بروز رفتارهای خطرناک جلوگیری نماید (Najafi, 2019). سیاست جنایی پیشگیرانه مبتنی بر این منطق است که در برخی حوزه‌ها، به‌ویژه در قلمرو جرائم مرتبط با امنیت عمومی، انتظار تحقق ضرر بالفعل می‌تواند پرهزینه و گاه غیرقابل جبران باشد؛ از این‌رو مداخله زودهنگام توجیه‌پذیر تلقی می‌شود (Ashworth & Zedner, 2014).

در این چارچوب، حتی رفتارهای مقدماتی که واجد ظرفیت خطرآفرینی قابل توجه باشند، می‌توانند موضوع جرم‌انگاری قرار گیرند، مشروط بر آنکه چنین مداخله‌ای با اصل تناسب و حداقلی بودن حقوق کیفری سازگار باشد (Duff, 2018).

در حوزه امنیت فرودگاه‌ها، اتخاذ تدابیر پیشگیرانه اهمیت مضاعف دارد؛ زیرا تحقق رفتارهای مخاطره‌آمیز در این محیط‌ها می‌تواند پیامدهایی فراتر از زیان‌های فردی داشته باشد و امنیت عمومی و زیرساخت‌های حیاتی را تحت تأثیر قرار دهد (Zedner, 2016).

جرم‌انگاری رفتارهای مقدماتی در حقوق کیفری

یکی از مباحث بنیادین حقوق کیفری معاصر، امکان جرم‌انگاری رفتارهای مقدماتی است. در مواردی که رفتار خاص، واجد ظرفیت ایجاد خطر جدی برای منافع مورد حمایت باشد، قانون‌گذار می‌تواند حتی پیش از تحقق نتیجه زیان‌بار مداخله نماید (Husak, 2008). نمونه‌های این رویکرد را می‌توان در جرم‌انگاری حمل سلاح غیرمجاز، نگهداری مواد مخدر یا ورود غیرمجاز به اماکن حفاظتی مشاهده نمود. در این موارد، صرف رفتار مقدماتی به دلیل خطر ذاتی یا کارکرد تهدیدکننده آن، واجد ضمانت اجرای کیفری است (Guldouzian, 2017). کیفری‌بودن حمل یا استفاده از ابزارهای تصویربرداری مخفی پیش از

نظریه‌های نوین، رفتارهای خطرناک برای منافع بنیادین را، حتی پیش از آسیب، جرم‌انگاری می‌کند (Ashworth & Zedner, 2014).

جرائم مبتنی بر خطر به‌ویژه در حوزه‌هایی توسعه یافته‌اند که انتظار تحقق ضرر در آن‌ها می‌تواند پرهزینه، گسترده یا غیرقابل جبران باشد. امنیت عمومی، بهداشت عمومی و حفاظت از تأسیسات حیاتی از جمله مهم‌ترین قلمروهای توسعه این رویکرد محسوب می‌شوند (Zedner, 2016).

در برخی حوزه‌ها، واکنش زودهنگام و پیشگیرانه حقوق کیفری، کارآمدتر از واکنش پسینی است، مشروط بر جدی بودن خطر (Husak, 2008).

تحلیل خطر در رفتارهای فناورانه

تحلیل خطر رفتارهای فناورانه پیچیده است؛ فناوری، دامنه آثار و ظرفیت آسیب‌رسانی را گسترش می‌دهد (Husak, 2008).

در فناوری نوین، تمایز میان رفتار زیان‌بار و بالقوه خطرناک مهم است؛ معیار جرم‌انگاری، نحوه استفاده و زمینه‌های اجتماعی آن است (Duff, 2018).

ابزارهای تصویربرداری مخفی، فناوری دواکاری با ظرفیت خطرآفرینی بالا هستند؛ قابلیت استتار و ضبط نامحسوس، تحلیل مبتنی بر خطر را ضروری می‌سازد (Ashworth & Zedner, 2014).

در چنین مواردی، ارزیابی خطر نه بر مبنای ذات ابزار، بلکه بر اساس احتمال معقول تعرض به منافع مورد حمایت، گستره زیان بالقوه و ویژگی‌های محیط ارتکاب صورت می‌گیرد؛ رویکردی که با منطق جرم‌انگاری پیشگیرانه در حقوق کیفری معاصر همسو است (Zedner, 2016).

اصل تناسب و محدودسازی کیفری

پذیرش جرم‌انگاری مبتنی بر خطر به معنای توسعه نامحدود قلمرو حقوق کیفری نیست. یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های هنجاری در

ابزارهای تصویربرداری مخفی که در قالب اشیای متعارف طراحی می‌شوند، به دلیل قابلیت استتار و دشواری کشف، واجد ویژگی‌هایی هستند که ارزیابی خطر و نظارت قانونی بر آن‌ها را پیچیده می‌سازد (Zedner, 2016).

یکی از چالش‌های مهم در مواجهه با این ابزارها، امکان انتقال برخلاف داده‌ها و فقدان آثار فیزیکی قابل کشف است؛ وضعیتی که می‌تواند احراز رفتار مجرمانه و جمع‌آوری ادله را با دشواری مواجه سازد (Mirmohammad Sadeghi, 2020).

در چنین شرایطی، نظام حقوقی ناگزیر از بازاندیشی در سیاست‌های کیفری و تدوین مقررات متناسب با واقعیت‌های فناورانه است؛ زیرا عدم واکنش تقنینی مناسب می‌تواند به شکل‌گیری خلأ قانونی و تضعیف کارآمدی نظام عدالت کیفری منجر گردد (Ashworth & Zedner, 2014).

مبانی دکترین جرم‌انگاری

گذار از جرائم نتیجه‌محور به جرائم مبتنی بر خطر

حقوق کیفری معاصر شاهد گذار تدریجی از الگوی سنتی جرائم نتیجه‌محور به پذیرش جرائم مبتنی بر خطر بوده است؛ رویکردی که در آن ایجاد خطر قابل توجه برای منافع مورد حمایت، مستقل از تحقق نتیجه زیان‌بار، می‌تواند مبنای مداخله کیفری قرار گیرد (Ashworth & Zedner, 2014; Husak, 2008).

در الگوی کلاسیک حقوق کیفری، تحقق ضرر عینی یا نقض بالفعل حق، شرط اصلی توجیه مسئولیت کیفری تلقی می‌شد. به بیان دیگر، مداخله کیفری غالباً ناظر بر واکنش نسبت به نتایج زیان‌بار محقق‌شده بود (Ashworth, 2015). با این حال، تحولات اجتماعی، پیچیده‌تر شدن ساختارهای زیست جمعی و ظهور مخاطرات نوین، این الگو را با چالش‌های نظری مواجه ساخته است.

بررسی قوانین موجود و تحلیل خلأ تقنینی در حقوق ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصل ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی، ضمن حمایت از حیثیت و ارتباطات اشخاص، مبنای هنجاری برای منع مداخلات غیرموجه در حریم خصوصی، حتی با فناوری‌های نوین، فراهم می‌کنند (Guldouzian, 2017). قانون اساسی مقررات صریحی درباره ضبط مخفیانه تصویر یا حمل ابزارهای پنهان ندارد؛ این سکوت تقنینی در سطوح پایین‌تر می‌تواند ابهام‌آفرین باشد (Guldouzian, 2017).

قانون مجازات اسلامی: مقررات کیفری ایران عمدتاً نتیجه‌محورند و پس از وقوع ضرر اعمال می‌شوند، که با نظریه‌های نوین جرم‌انگاری مبتنی بر خطر همخوانی ندارد (Mirmohammad Sadeghi, 2020). در نتیجه، رفتارهایی نظیر حمل، نگهداری یا استفاده از ابزارهای تصویربرداری مخفی، پیش از تحقق نتیجه مجرمانه، واجد عنوان کیفری مستقل و صریح نیستند. این امر می‌تواند ظرفیت پیشگیری کیفری را در مواجهه با مخاطرات فناوریانه محدود سازد (Najafi Abbrandabadi, 2019).

قانون جرائم رایانه‌ای: قانون جرائم رایانه‌ای بر حفاظت از داده‌های دیجیتال تمرکز دارد و مستقیماً رفتارهای تصویربرداری مخفی در محیط‌های فیزیکی، پیش از انتقال یا انتشار داده، را پوشش نمی‌دهد (Mirmohammad Sadeghi, 2020).

مقررات و دستورالعمل‌های اجرایی: مقررات امنیتی فرودگاه‌ها تصویربرداری را محدود می‌کنند، اما تخلفاتشان اغلب ضمانت اجرای کیفری مستقل ندارد و اتکای صرف به ضمانت اجرای غیرکیفری در این حوزه ناکافی است (Ashworth, 2015).

جمع‌بندی تحلیلی: نظام حقوقی ایران فاقد چارچوب صریح برای ابزارهای تصویربرداری مخفی در اماکن حساس است که منجر به چالش تفسیری و تضعیف پیشگیری کیفری می‌شود (Ashworth & Zedner, 2014).

این حوزه، اصل تناسب است که بر ضرورت هماهنگی میان شدت مداخله کیفری و میزان خطر رفتار تأکید دارد (Ashworth, 2015). بر اساس دکترین تناسب، حقوق کیفری باید به‌عنوان آخرین ابزار تنظیم‌گری اجتماعی (ultima ratio) به‌کار گرفته شود و تنها در مواردی که خطر رفتار قابل توجه، واقعی و مبتنی بر ارزیابی عقلانی باشد، مداخله کیفری توجیه‌پذیر خواهد بود (Duff, 2018). در غیر این صورت، توسل شتاب‌زده به جرم‌انگاری می‌تواند منجر به تورم کیفری و تضعیف مشروعیت نظام عدالت کیفری گردد (Husak, 2008).

جرم‌انگاری رفتارهای مقدماتی تنها در صورتی موجه است که خطر واقعی، منافع بنیادین و ابزارهای غیرکیفری ناکافی باشند (Ashworth & Zedner, 2014).

جرم‌انگاری رفتارهای فناوریانه نیازمند توازن میان ضرورت‌های امنیتی و آزادی‌های فردی است تا از تحدید غیرضروری حقوق شهروندان جلوگیری شود (Husak, 2008).

ویژگی‌های خاص محیط‌های فرودگاهی

فرودگاه‌ها به دلیل حساسیت امنیتی، علی‌رغم دسترسی عمومی، با اعمال محدودیت‌ها و کنترل‌های ویژه، از اماکن عمومی متعارف متمایز می‌شوند (Ashworth & Zedner, 2014).

تحلیل حقوقی رفتارها در اماکن امنیتی، فراتر از عمومی بودن مکان، ماهیت امنیتی محیط و ظرفیت خطر را در نظر می‌گیرد و اعمال محدودیت‌های تقنینی شدیدتر را توجیه می‌کند (Zedner, 2016). از منظر نظریه خطر، محیط ارتکاب رفتار (عمومی یا امنیتی) بر وصف کیفری آن تأثیر می‌گذارد و اهمیت آن را تعیین می‌کند (Duff, 2018).

تصویربرداری مخفی در فرودگاه‌ها فراتر از حریم خصوصی، تهدیدات امنیتی ایجاد می‌کند و تحلیل کیفری آن در چارچوب جرم‌انگاری مبتنی بر خطر و پیشگیری کیفری قابل درک است (Ashworth, 2015).

بررسی چارچوب مقررات موجود

مقررات پراکنده در ایران درباره حریم خصوصی و تصویربرداری وجود دارد، اما حکم صریحی برای ابزارهای مخفی و نوظهور فناوریانه نیست (Ashworth & Zedner, 2014).

قانون جرائم رایانه‌ای ایران انتشار تصاویر خصوصی را جرم دانسته، اما بر «تحصیل داده» (تصویربرداری مخفیانه) تمرکز کمتری دارد (Duff, 2018). قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) فاقد عنوان کیفری مستقلی برای حمل یا استفاده از ابزارهای تصویربرداری مخفی پیش از وقوع ضرر است و نقد رویکرد نتیجه‌محور بر آن وارد است (Husak, 2008).

قواعد اجرایی و انتظامی تصویربرداری ماهیت اداری/انتظامی دارند و تخلف از آن‌ها لزوماً کیفری نیست (Zedner, 2016).

جلوه‌های خلأ تقنینی

غلبه رویکرد نتیجه‌محور در مقررات کیفری، مداخله پیشگیرانه را محدود و با جرم‌انگاری مبتنی بر خطر مغایرت دارد (Ashworth & Zedner, 2014).

دوم، فقدان تعریف قانونی روشن از ابزارهای تصویربرداری مخفی. عدم تبیین تقنینی این مفهوم می‌تواند زمینه‌ساز ابهام تفسیری و ناهمگونی در رویه قضایی گردد؛ چالشی که در مواجهه با فناوری‌های نوظهور به‌کرات گزارش شده است (Duff, 2018). سوم، عدم شناسایی رفتارهای مقدماتی به‌عنوان موضوع مستقل واکنش کیفری. رفتارهایی نظیر حمل، نگهداری یا استفاده از ابزارهای تصویربرداری پنهان، پیش از تحقق نتیجه زیان‌بار، به‌طور صریح جرم‌انگاری نشده‌اند. حدود و مشروعیت جرم‌انگاری چنین رفتارهایی در چارچوب اصل حداقلی بودن حقوق کیفری مورد بحث گسترده قرار گرفته است (Husak, 2008).

چهارم، فقدان مقررات اختصاصی ناظر بر محیط‌های عمومی حساس. چارچوب‌های کلی امنیت عمومی یا جرائم رایانه‌ای، به‌طور خاص به ویژگی‌های اماکن امنیتی - کنترل نظیر فرودگاه‌ها

تحلیل خلأ تقنینی در پرتو نظریه خطر و رویکردهای تطبیقی: حقوق کیفری نوین با رویکرد مبتنی بر خطر، جرم‌انگاری را فراتر از جرائم نتیجه‌محور کلاسیک برده و ایجاد خطر قابل توجه را نیز مبنای مداخله قانونی قرار می‌دهد (Ashworth & Zedner, 2014). در چارچوب نظریه خطر، رفتارهایی که بالقوه قابلیت تعرض به ارزش‌های بنیادین نظیر امنیت عمومی، حریم خصوصی یا امنیت ملی را دارند، می‌توانند موضوع واکنش کیفری قرار گیرند، مشروط بر آنکه خطر رفتار واقعی، قابل انتساب و به‌قدر کافی جدی باشد. این تحول نظری به‌ویژه در حوزه‌هایی که انتظار تحقق ضرر می‌تواند پرهزینه یا غیرقابل جبران باشد، اهمیت مضاعف یافته است (Zedner, 2016). در فرودگاه‌ها برخی رفتارها، مانند تصویربرداری مخفی، پیش از وقوع ضرر عینی ظرفیت تهدیدکنندگی دارند؛ زیرا می‌توانند تدابیر امنیتی و هویت مأموران را آشکار کنند. با این حال، این رفتارها در حقوق کیفری ایران به‌طور مستقل شناسایی نشده‌اند که نشان‌دهنده فاصله قانون‌گذاری با تحولات فناوری است (Duff, 2018). در حقوق تطبیقی، اماکن حساس معمولاً با محدودیت‌های اداری، انتظامی یا کیفری برای تصویربرداری و تجهیزات خاص مواجه‌اند تا اصل تناسب و پرهیز از مداخله کیفری بیش از حد رعایت شود (Husak, 2008). محدودیت‌های قانونی و کیفری برای تصویربرداری در اماکن حساس اروپایی، با تأکید بر نقش تعیین‌کننده ماهیت مکان در ارزیابی مشروعیت رفتار (Ashworth, 2015). جرم‌انگاری مضیق و مبتنی بر خطر ابزارهای تصویربرداری مخفی در فرودگاه‌ها، با شفافیت دامنه و تناسب واکنش‌ها، با حقوق کیفری معاصر سازگار است (Ashworth & Zedner, 2014).

خلأ تقنینی در مواجهه با ابزارهای تصویربرداری مخفی در حقوق ایران

ملاحظات ناشی از Human Rights Act 1998 می‌توانند در مواردی ناظر بر ثبت و پردازش داده‌های تصویری بدون مبنای قانونی یا رضایت معتبر باشند. پیوند میان حمایت از داده‌ها و حق بر حریم خصوصی در حقوق انگلستان در ادبیات حقوقی به‌طور گسترده مورد تحلیل قرار گرفته است (Ashworth & Zedner, 2014).

در حقوق فرانسه نیز، حمایت از زندگی خصوصی جایگاهی تثبیت شده دارد و مقررات مرتبط در Code pénal ضبط و انتشار تصاویر اشخاص بدون رضایت را تحت شرایطی قابل تعقیب دانسته‌اند. رویکرد سخت‌گیرانه حقوق فرانسه نسبت به حمایت کیفری از زندگی خصوصی در مطالعات تطبیقی مورد تأکید قرار گرفته است (Ministry of Justice of, 2020).

در ایالات متحده آمریکا، هرچند نظام تقنینی ماهیتی ایالتی دارد، اما مقررات ناظر بر امنیت هوانوردی و رویه‌های اجرایی فرودگاهی محدودیت‌هایی را نسبت به تصویربرداری در مناطق کنترل شده و امنیتی پیش‌بینی می‌کنند. این محدودیت‌ها عموماً با هدف حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی و جلوگیری از مخاطرات امنیتی اعمال می‌شوند. تحلیل رابطه میان آزادی‌های فردی و الزامات امنیتی در اماکن حساس در حقوق آمریکا موضوع بحث گسترده دکتربین بوده است (Duff, 2018).

بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که در بسیاری از نظام‌های حقوقی، ضبط مخفیانه، به‌ویژه در ارتباط با حریم خصوصی اشخاص و امنیت اماکن حساس، با محدودیت‌های تقنینی یا اجرایی مواجه است. هرچند شیوه و دامنه تنظیم‌گری متفاوت است، اما توجه به مخاطرات ناشی از فناوری‌های ضبط پنهان و تلاش برای کنترل استفاده نامشروع از آن‌ها رویکردی قابل مشاهده است (Ashworth & Zedner, 2014).

افزون بر این، در بخش قابل توجهی از نظام‌های حقوقی، معیار «انتظار معقول از حریم خصوصی» نقش مهمی در ارزیابی

نپرداخته‌اند؛ در حالی که در ادبیات سیاست جنایی، «ماهیت مکان» به‌عنوان متغیری تعیین‌کننده در ارزیابی خطر پذیرفته شده است (Zedner, 2016).

پیامدهای عملی خلأ تقنینی

خلأ تقنینی در فرودگاه‌ها، مخاطرات امنیتی و نقض حریم خصوصی را با فناوری‌های جدید تسهیل می‌کند (Welsh & Farrington, 2012).

این ملاحظات نشان می‌دهد که عدم تنظیم‌گری صریح در این حوزه می‌تواند چالش‌هایی فراتر از حریم خصوصی فردی ایجاد نماید و به قلمرو امنیت عمومی و ملی نیز تسری یابد (Ashworth, 2015).

ارزیابی سیاست جنایی

در پرتو سیاست جنایی پیشگیرانه و تحولات نظری حقوق کیفری معاصر، وضعیت موجود را می‌توان قابل تأمل دانست. هرچند مداخله کیفری باید همواره تابع اصولی نظیر تناسب و حداقلی بودن باشد، لیکن فقدان چارچوب تقنینی شفاف درباره رفتارهای واجد ظرفیت خطرآفرینی، به‌ویژه در اماکن حساس، می‌تواند کارآمدی نظام پیشگیری را محدود سازد (Ashworth & Zedner, 2014).

بر این اساس، مجموعه تحلیل‌های پیش‌گفته می‌تواند مؤید وجود نوعی خلأ تقنینی در مواجهه با ابزارهای تصویربرداری مخفی تلقی گردد؛ خلأیی که بازاندیشی تقنینی در خصوص آن، با رعایت اصول بنیادین حقوق کیفری، قابل طرح و بررسی است (Husak, 2008).

حقوق تطبیقی

در حقوق تطبیقی، ضبط مخفیانه تصویر و صدا غالباً در چارچوب مقررات حریم خصوصی، حمایت از داده‌های شخصی و الزامات امنیت عمومی مورد تنظیم قرار می‌گیرد. برای مثال، در انگلستان، مقرراتی نظیر Data Protection Act 2018 و همچنین

مشروعیت رفتارهای ضبط ایفا می‌کند؛ معیاری که هم در حقوق اروپایی و هم در حقوق آمریکا جایگاهی کلیدی یافته است (Ashworth & Zedner, 2014). همچنین اماکن حساس امنیتی، از جمله فرودگاه‌ها، غالباً مشمول محدودیت‌های شدیدتری هستند که این امر بیانگر تأثیر ماهیت مکان در تحلیل حقوقی رفتار است (Zedner, 2016).

مطالعه تطبیقی همچنین حاکی از آن است که واکنش حقوقی به این پدیده لزوماً به جرم‌انگاری کیفری محدود نمی‌شود و در بسیاری موارد، ترکیبی از ضمانت اجراهای اداری، انتظامی و کیفری مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ رویکردی که با اصل تناسب و حداقلی بودن حقوق کیفری نیز سازگار تلقی می‌شود (Husak, 2008).

این تجربه‌ها می‌تواند در ارزیابی سیاست جنایی و گزینه‌های تقنینی در حقوق ایران مورد توجه قرار گیرد.

پیشنهاد جرم‌انگاری و کیفرگذاری

تحلیل تناسب، حداقلی بودن حقوق کیفری و پرهیز از تورم کیفری

جرم‌انگاری رفتارهای مرتبط با ابزارهای تصویربرداری مخفی در محیط‌های فرودگاهی، هرچند می‌تواند از منظر سیاست جنایی پیشگیرانه قابل توجه باشد، اما مداخله کیفری در این حوزه ناگزیر از رعایت اصول محدودکننده حقوق کیفری است. از مهم‌ترین این اصول، اصل تناسب است که بر ضرورت هماهنگی میان شدت واکنش کیفری و میزان خطر رفتار تأکید دارد (Ashworth, 2015).

مطابق دکترین تناسب، صرف امکان سوءاستفاده از یک فناوری نمی‌تواند توجیه‌کننده شدیدترین اشکال مداخله کیفری باشد. قانون‌گذار باید میان سطوح مختلف خطر تفکیک قائل شود؛ در غیر این صورت، این احتمال وجود دارد که مداخله کیفری از کارکرد حمایتی خود فاصله گرفته و به محدودسازی ناموجه

آزادی‌های فردی منتهی شود (Husak, 2008). از سوی دیگر، اصل حداقلی بودن حقوق کیفری اقتضا می‌کند که توسل به ضمانت اجراهای کیفری، به‌ویژه مجازات‌های سالب آزادی، آخرین ابزار تنظیم‌گری باشد. بر این اساس، هرگاه ابزارهای اداری، انتظامی یا مدنی بتوانند به‌طور مؤثر مخاطرات رفتاری را کنترل کنند، مداخله کیفری باید با احتیاط مضاعف صورت گیرد (Duff, 2018). در حوزه فناوری‌های نوین، خطر تورم کیفری نیز اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. گسترش بی‌رویه قلمرو جرائم می‌تواند منجر به کاهش قطعیت حقوقی، افزایش تعارض‌های تفسیری و تضعیف مشروعیت نظام عدالت کیفری گردد. به‌ویژه در مواردی که رفتار واجد ماهیتی دوگانه و بالقوه مشروع است، جرم‌انگاری گسترده می‌تواند پیامدهای نامطلوبی به همراه داشته باشد (Husak, 2008).

بر این اساس، کیفرگذاری در خصوص ابزارهای تصویربرداری مخفی باید مبتنی بر تفکیک دقیق میان رفتارهای واجد خطر حداقلی و رفتارهای متضمن تهدید جدی برای امنیت عمومی یا حریم خصوصی باشد. اعمال مجازات حبس صرفاً در فروضی قابل توجیه خواهد بود که رفتار ارتكابی واجد خطر قابل توجه یا متضمن نتایج زیان‌بار بالفعل باشد. در سایر موارد، واکنش‌هایی نظیر جزای نقدی، ضبط تجهیزات یا محدودیت‌های اداری می‌توانند با اصول تناسب و حداقلی بودن حقوق کیفری سازگارتر تلقی شوند.

جرم‌انگاری مبتنی بر خطر و رفتارهای مقدماتی در بستر فناوری‌های نوین

تحولات حقوق کیفری معاصر نشان‌دهنده گذار تدریجی از الگوی سنتی جرائم نتیجه‌محور به سمت پذیرش جرائم مبتنی بر خطر است. در رویکرد کلاسیک، تحقق ضرر یا نقض بالفعل حق، شرط اساسی مداخله کیفری تلقی می‌شد؛ با این حال، پیچیدگی جوامع مدرن و ظهور مخاطرات فناورانه موجب شده است که در برخی

سازد، مشروط بر آنکه دامنه ممنوعیت‌ها مضیق، شفاف و متناسب باشد.

ضرورت مداخله تقنینی در محیط‌های فرودگاهی

ضرورت جرم‌انگاری رفتارهای مرتبط با ابزارهای تصویربرداری مخفی در محیط‌های فرودگاهی را می‌توان در چارچوب سیاست جنایی پیشگیرانه و نظریه خطر تحلیل نمود. محیط‌های فرودگاهی به دلیل ماهیت امنیتی و نقش حیاتی در زیرساخت‌های حمل‌ونقل، واجد حساسیتی مضاعف هستند و رفتارهایی که بالقوه قابلیت تهدید این امنیت را دارند، می‌توانند موضوع مداخله تقنینی قرار گیرند (Najafi Abbrandabadi, 2019). استفاده از ابزارهای تصویربرداری مخفی در چنین محیط‌هایی، صرف‌نظر از تحقق نتیجه زیان‌بار، ممکن است زمینه نقض حریم خصوصی اشخاص، افشای اطلاعات حفاظتی یا اختلال در تدابیر امنیتی را فراهم آورد. از این منظر، جرم‌انگاری محدود و هدفمند این رفتارها می‌تواند با منطق پیشگیری کیفری سازگار تلقی گردد (Guldouzian, 2017).

تحلیل تناسب و ضرورت کیفرگذاری

با وجود امکان توجیه جرم‌انگاری، تعیین واکنش کیفری مستلزم رعایت اصل تناسب است. اصل تناسب اقتضا می‌کند که شدت کیفر با میزان خطر و اهمیت منافع مورد حمایت هماهنگ باشد و از گسترش ناموجه مجازات‌های شدید اجتناب گردد (Guldouzian, 2017).

در بسیاری از موارد، ضمانت اجرایی نظیر جزای نقدی، ضبط تجهیزات یا محرومیت‌های اجتماعی می‌توانند واکنش‌هایی متناسب و مؤثر محسوب شوند. توسل به مجازات حبس باید محدود به فروضی باشد که رفتار ارتكابی واجد خطر قابل توجه برای امنیت عمومی یا متضمن نقض گسترده حریم خصوصی باشد (Mirmohammad Sadeghi, 2020).

حوزه‌ها، ایجاد خطر قابل توجه برای منافع مورد حمایت نیز مبنای جرم‌انگاری قرار گیرد (Ashworth & Zedner, 2014).

جرائم مبتنی بر خطر به‌ویژه در حوزه‌هایی که منافع اساسی و آسیب‌پذیر در معرض تهدید قرار دارند، توسعه یافته‌اند. امنیت عمومی، زیرساخت‌های حیاتی و اماکن حساس از جمله قلمروهایی هستند که انتظار وقوع ضرر عینی در آن‌ها می‌تواند پرهزینه و در مواردی غیرقابل جبران باشد. از این منظر، مداخله پیشگیرانه حقوق کیفری می‌تواند توجیه‌پذیر تلقی گردد، مشروط بر آنکه خطر رفتار واقعی، قابل توجه و مبتنی بر ارزیابی عقلانی باشد (Zedner, 2016).

در همین چارچوب، جرم‌انگاری رفتارهای مقدماتی نیز به‌عنوان یکی از جلوه‌های سیاست جنایی پیشگیرانه مطرح شده است. رفتارهای مقدماتی اعمالی هستند که به‌خودی‌خود متضمن ضرر مستقیم نیستند، اما می‌توانند زمینه‌ساز ارتكاب جرائم مهم‌تر یا ایجاد مخاطرات جدی برای جامعه باشند. نمونه‌های این رویکرد را می‌توان در جرم‌انگاری حمل سلاح غیرمجاز یا ورود غیرمجاز به اماکن حفاظتی مشاهده نمود (Husak, 2008).

کاربست این منطق در حوزه فناوری‌های نوین مستلزم دقت مضاعف است. بسیاری از ابزارهای فناورانه واجد کارکردهای مشروع و نامشروع توأمان هستند و جرم‌انگاری شتاب‌زده می‌تواند به توسعه ناموجه قلمرو کیفری منجر گردد. از این رو، معیار اصلی در توجیه جرم‌انگاری مقدماتی، میزان خطر قابل انتساب به رفتار و اهمیت منافع مورد حمایت است (Duff, 2018).

در محیط‌های فرودگاهی، به‌عنوان نمونه بارز اماکن حساس امنیتی، استفاده از ابزارهای تصویربرداری مخفی می‌تواند واجد ظرفیتی خطرآفرین تلقی شود، زیرا این رفتار بالقوه امکان نقض حریم خصوصی اشخاص، افشای تدابیر حفاظتی یا جمع‌آوری اطلاعات امنیتی را فراهم می‌آورد. در چنین بستری، تحلیل جرم‌انگاری مبتنی بر خطر می‌تواند چارچوبی نظری برای توجیه مداخله تقنینی فراهم

عمومی تصاویر گردد، تشدید مجازات قابل توجیه خواهد بود. در این فروض، خطر رفتار از سطح بالقوه فراتر رفته و واکنش شدیدتر کیفری می‌تواند متناسب تلقی گردد (Mirmohammad, Sadeghi, 2020).

ضمانت اجراهای تکمیلی: افزون بر مجازات‌های اصلی، پیش‌بینی ضمانت اجراهای تکمیلی نظیر ضبط و معدوم‌سازی تجهیزات، ممنوعیت ورود به اماکن حساس یا محرومیت‌های شغلی می‌تواند در چارچوب سیاست جنایی پیشگیرانه مؤثر باشد (Guldouzian, 2017).

مواد پیشنهادی

ماده ۱ - حمل ابزار تصویربرداری مخفی

حمل یا نگهداری تجهیزات یا وسایلی که نوعاً برای ضبط مخفیانه تصویر یا صدا طراحی شده‌اند در محدوده‌های امنیتی و کنترل‌شده فرودگاهی بدون مجوز قانونی، ممنوع بوده و مرتکب به جزای نقدی درجه شش یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود.

ماده ۲ - استفاده از ابزار بدون نتیجه زیان‌بار

هرگونه استفاده آگاهانه و بدون مجوز قانونی از ابزارهای دارای قابلیت ضبط مخفیانه تصویر یا صدا در محدوده‌های امنیتی و کنترل‌شده فرودگاهی، در صورتی که متضمن افشا یا آسیب امنیتی یا نقض حریم خصوصی اشخاص نباشد، موجب جزای نقدی درجه شش یا حبس تعزیری درجه شش خواهد بود.

با توجه به دکترین تناسب، تشدید مجازات صرفاً در فروضی موجه است که رفتار ارتكابی متضمن خطر قابل توجه یا تعرض بالفعل به منافع مورد حمایت باشد (Duff, 2018).

ماده ۳ - وضعیت‌های مشدد (خطر شدید / نتیجه زیان‌بار)

چنانچه رفتار موضوع ماده پیشین منجر به نقض حریم خصوصی اشخاص، ضبط تدابیر حفاظتی، افشای اطلاعات امنیتی، شناسایی نیروهای امنیتی یا انتشار عمومی تصاویر گردد، مرتکب به حبس

عدم رعایت این ملاحظات می‌تواند منجر به تورم کیفری و تضعیف کارآمدی نظام عدالت کیفری گردد. از این رو، کیفرگذاری در این حوزه باید مبتنی بر تفکیک سطوح مختلف رفتار و میزان خطر باشد (Guldouzian, 2017).

عناصر جرم پیشنهادی

جرم‌انگاری رفتارهای مورد بحث مستلزم تصریح دقیق عناصر متشکله جرم است تا از ابهام تقنینی و تعارض‌های تفسیری جلوگیری شود.

عنصر مادی:

هرگونه حمل یا استفاده آگاهانه و بدون مجوز قانونی از تجهیزات یا وسایلی که نوعاً برای ضبط مخفیانه تصویر یا صدا طراحی شده‌اند در محدوده‌های کنترل‌شده و امنیتی فرودگاهی.

عنصر روانی:

علم مرتکب به ماهیت پنهانی ابزار و عمد در ارتكاب رفتار ممنوع، اعم از قصد ضبط، انتقال یا ذخیره داده‌های تصویری یا صوتی.

موضوع جرم:

حمایت از امنیت عمومی، حریم خصوصی اشخاص و صیانت از تدابیر حفاظتی اماکن حساس.

ضمانت اجراهای کیفری پیشنهادی

با توجه به اصل تناسب، می‌توان واکنش‌های کیفری زیر را پیش‌بینی نمود:

• جزای نقدی

• ضبط تجهیزات

• محرومیت از حقوق اجتماعی

• حبس تعزیری در موارد واجد خطر شدید

چنین رویکردی ضمن حفظ بازدارندگی، با اصل حداقلی بودن حقوق کیفری نیز سازگارتر است (Guldouzian, 2017).

تشدید مجازات: در مواردی که رفتار ارتكابی منجر به افشای اطلاعات امنیتی، تصویربرداری از تأسیسات حفاظتی یا انتشار

تدوین دستورالعمل‌های شفاف برای مسافران و کارکنان می‌تواند از بروز بسیاری از تخلفات ناخواسته جلوگیری نماید. این رویکرد با تقویت هنجارهای رفتاری و افزایش قطعیت ادراک‌شده مقررات، کارآمدی واکنش‌های رسمی را نیز افزایش می‌دهد (Welsh & Farrington, 2012).

نتیجه‌گیری

تحولات فناورانه، حقوق کیفری را ناگزیر از بازاندیشی مستمر ساخته است. یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان در محورهای زیر خلاصه نمود:

فناوری‌های نوین تصویربرداری خلأهای قابل توجهی در چارچوب‌های تقنینی حقوق ایران آشکار ساخته‌اند.

غلبه رویکرد نتیجه‌محور در مقررات موجود، تنظیم‌گری رفتارهای مقدماتی مخاطره‌آمیز را با دشواری مواجه نموده است.

محیط‌های فرودگاهی به‌عنوان اماکن حساس امنیتی، واجد ویژگی‌هایی هستند که مداخله پیشگیرانه را تقویت می‌کند.

جرم‌انگاری محدود و هدفمند حمل و استفاده از ابزارهای تصویربرداری مخفی در چنین محیط‌هایی، در صورت رعایت اصل تناسب، می‌تواند قابل توجیه باشد.

تلفیق ابزارهای کیفری و سازوکارهای پیشگیرانه غیرکیفری می‌تواند کارآمدی سیاست جنایی را افزایش دهد.

برآیند تحلیل‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت مخاطرات ناشی از فناوری‌های ضبط پنهان مستلزم رویکردی متوازن و مبتنی بر اصول بنیادین حقوق کیفری است. نوآوری پژوهش حاضر در تبیین جرم‌انگاری این رفتارها بر مبنای نظریه جرائم مبتنی بر خطر و انطباق آن با الزامات امنیتی اماکن حساس قابل ارزیابی است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

تعزیری درجه چهار یا پنج و ضبط تجهیزات مورد استفاده محکوم می‌شود.

ماده پیشنهادی - مجازات تکمیلی

در این رویکرد، دادگاه می‌تواند علاوه بر کیفر اصلی، اقدامات تکمیلی مانند ضبط تجهیزات یا ممنوعیت شغلی اعمال کند. واکنش کیفری نیز براساس شدت خطر درجه‌بندی می‌شود؛ حمل ابزار واکنشی خفیف‌تر و استفاده خطرآفرین موجب تشدید مجازات است.

پیشگیری کیفری و غیرکیفری: اتکای صرف بر ابزارهای کیفری، به‌ویژه در حوزه جرائم مبتنی بر فناوری، نمی‌تواند پاسخگوی کامل مخاطرات موجود باشد. سیاست جنایی کارآمد مستلزم بهره‌گیری توأمان از سازوکارهای پیشگیرانه کیفری و غیرکیفری است. رویکردهای پیشگیرانه، با تمرکز بر کاهش فرصت‌های ارتکاب و مدیریت موقعیت‌های جرم‌زا، می‌توانند نقش مؤثری در کنترل مخاطرات ناشی از ابزارهای تصویربرداری مخفی ایفا نمایند (Clarke, 1997).

پیشگیری وضعی: پیشگیری وضعی با هدف کاهش فرصت‌های ارتکاب رفتارهای مخاطره‌آمیز، بر طراحی محیط و کنترل موقعیت‌های جرم‌زا استوار است. در محیط‌های فرودگاهی، به‌عنوان اماکن حساس امنیتی، تدابیری نظیر نصب علائم هشداردهنده، اعمال بازرسی‌های هدفمند نسبت به تجهیزات الکترونیکی، و محدودسازی ورود ابزارهای دارای قابلیت ضبط مخفیانه می‌تواند در کاهش ریسک رفتارهای ناقض امنیت یا حریم خصوصی مؤثر باشد. این تدابیر با منطق مدیریت خطر و کاهش فرصت‌های جرم همسو هستند (Clarke, 2009).

پیشگیری اجتماعی: پیشگیری اجتماعی با تمرکز بر اصلاح زمینه‌های فرهنگی و رفتاری، نقش مکملی در سیاست جنایی ایفا می‌کند. ارتقای آگاهی عمومی نسبت به محدودیت‌های قانونی تصویربرداری در اماکن حساس، آموزش حقوق شهروندی، و

The rapid expansion of digital and miniaturized technologies has transformed the ways in which information is captured, stored, transferred, and exploited, and one of the most legally significant manifestations of this transformation is the emergence of covert imaging devices embedded in ordinary objects such as glasses, pens, watches, and other seemingly harmless accessories. Although these devices may have legitimate technological or commercial uses, their concealed nature fundamentally alters the legal assessment of image capture because they enable the recording of visual information without the awareness, consent, or timely objection of the persons affected. This issue becomes considerably more serious in airport environments, where the concentration of travelers, security personnel, surveillance infrastructure, and restricted operational procedures creates a setting in which unauthorized recording may implicate not only personal privacy, but also public order, operational integrity, and national security. In contemporary criminal law theory, the challenge posed by such technologies is not merely whether harmful consequences have already occurred, but whether the law should intervene earlier, at the stage of conduct that is intrinsically capable of generating serious risk. Preventive criminal law literature has repeatedly emphasized that when sensitive locations are involved, the legal system cannot remain confined to a purely reactive model that punishes only completed harms, because some harms, once materialized, may be irreversible or disproportionate in their societal impact (Ashworth & Zedner, 2014; Zedner, 2016). From this perspective, covert imaging in airports presents a paradigmatic case for examining the limits of legality, the justification of early intervention, and the need to reassess traditional criminal law categories in light of technological change (Ashworth, 2015; Duff, 2018).

The central problem addressed in this study is that the Iranian legal system, despite recognizing the importance of privacy, security, and the protection of public interests, still lacks a clear and express criminal framework governing the possession or use of covert imaging devices in airport settings. Existing Iranian criminal provisions generally focus on completed harmful outcomes, such as the eventual disclosure of confidential information, injury to legally protected interests, or violations already materialized against persons or institutions, but they do not adequately address the preliminary conduct through which such harms are prepared or facilitated. This results in a significant doctrinal and legislative gap: a person may carry or use a hidden camera in a controlled airport environment, thereby creating a serious and foreseeable threat to privacy or security, yet the law may remain uncertain or fragmented until a more visible or measurable harm occurs. Such an approach reflects a predominantly consequence-oriented model of criminalization, whereas modern debates on overcriminalization, preventive justice, and risk-based offenses show that the real legal question is whether certain preparatory acts are sufficiently dangerous to justify carefully limited criminal intervention (Ashworth & Zedner, 2014; Duff, 2018; Husak, 2008). In Iranian doctrinal writing as well, the tension between legality, proportionality, and the need for effective criminal protection is well recognized, particularly in relation to offenses affecting public safety, personal rights, and the state's security interests (Ashraf-i, 2021; Guldouzian, 2017; Mirmohammad Sadeghi, 2020). The present study therefore asks whether the current legislative framework in Iran provides sufficient criminal protection against covert imaging in airport environments and advances the hypothesis that the absence of explicit criminalization of technologically mediated preparatory conduct

has reduced the effectiveness of the legal response to emerging risks.

The theoretical framework of the study rests on the intersection of privacy doctrine, the protection of public and national security, and the jurisprudence of preventive criminalization. Privacy, in modern criminal law, is no longer confined to the physical interior of homes or traditionally private spaces; it also encompasses legitimate expectations against unwarranted observation, monitoring, and secret recording, especially where individuals are deprived of awareness and therefore of the possibility of meaningful consent or resistance (Guldouzian, 2017; Mirmohammad Sadeghi, 2020). Even in public spaces, persons may retain a protected sphere against covert intrusion, particularly where surveillance is hidden, individualized, and capable of extracting sensitive personal or situational information. In Islamic jurisprudential analysis, the concept of protected spheres and the prohibition of unauthorized intrusion into another's legally recognized domain offer normative support for limiting invasive technological practices, and classical authorities have long treated impermissible encroachment upon another's protected domain as contrary to legal and moral order (Helli, 1980; Karaki, 1991). At the same time, airport security raises a second and broader layer of legal concern. Airports are not merely transit locations; they are security-intensive environments in which the exposure of procedures, controlled zones, personnel identities, or protective infrastructures may endanger wider public interests. Criminal law therefore has reason to treat covert recording in such contexts not only as a privacy issue, but also as conduct capable of threatening collective security interests (Ashraf-i, 2021; Najafi Abbrandabadi, 2019). In this setting, the doctrinal move from result-based crimes to risk-based offenses becomes especially relevant, because the legal wrong may lie in the

creation of an intolerable risk to protected interests rather than in the completed realization of harm (Ashworth & Zedner, 2014; Zedner, 2016). Nevertheless, such expansion must remain constrained by proportionality, legality, and the principle that criminal law should remain an instrument of last resort (Ashworth, 2015; Duff, 2018).

Methodologically, this study employs a descriptive-analytical approach based on library research, doctrinal interpretation, and limited comparative reflection in order to identify the status of Iranian law, evaluate its conceptual deficiencies, and determine whether a narrowly tailored criminalization model can be justified. The findings indicate that current Iranian law contains dispersed normative elements relevant to the issue, including constitutional support for personal dignity and communicational privacy, general criminal protections of persons and security, and administrative restrictions in sensitive environments, yet these norms do not amount to a coherent and explicit legal framework for covert imaging devices in airports (Guldouzian, 2017; Mirmohammad Sadeghi, 2020). The Constitution provides an important normative basis for the protection of dignity and privacy, but does not specifically regulate hidden recording technologies. General criminal law addresses harms after their occurrence, but usually does not define the possession or use of hidden imaging devices in airport security zones as an autonomous offense. Likewise, rules resembling cybercrime regulation focus more on digital data and subsequent dissemination than on covert image acquisition in a physical controlled environment (Mirmohammad Sadeghi, 2020). Administrative and executive airport regulations may prohibit photography or restrict certain equipment, but non-criminal sanctions alone may be insufficient where conduct creates a serious risk to public or national security (Ashworth, 2015). From a

comparative perspective, many legal systems respond to hidden recording not through a single uniform model, but through a combination of privacy law, data protection, administrative restrictions, and criminal sanctions directed at sensitive contexts; this mixed model reinforces the insight that the legal significance of covert recording depends heavily on the nature of the place, the character of the risk, and the proportionality of the response (Ashworth & Zedner, 2014; Husak, 2008; Zedner, 2016).

The analytical contribution of this study lies in framing covert imaging devices in airport environments within a risk-based criminalization model rather than within an exclusively consequence-based paradigm. In doctrinal terms, such devices are not unlawful because of their physical form alone, since many technologies are dual-use and may serve both legitimate and illegitimate functions. The legal basis for intervention must therefore derive from the contextualized danger posed by the conduct: the hidden character of the device, the user's awareness of that hidden nature, the controlled and security-sensitive environment, and the reasonable possibility that the conduct may expose security procedures, identify personnel, or violate the privacy of travelers and staff. Under contemporary criminal law theory, preparatory conduct may be criminalized when it poses a real, attributable, and sufficiently serious danger to protected interests, especially where waiting for completed harm would undermine the very purpose of prevention (Duff, 2018; Zedner, 2016). Yet any proposed offense must also satisfy legality and proportionality. For that reason, this study argues for a narrow and express offense limited to the knowing possession or use, without legal authorization, of devices specifically designed or adapted for covert audio or visual recording in airport security-controlled zones. The material

element should be defined in relation to carrying or using such concealed devices in restricted airport areas; the mental element should require knowledge of the covert nature of the instrument and intentional engagement in the prohibited conduct; and the protected legal interests should be expressly stated as public security, the privacy of persons, and the protection of security measures in sensitive places (Ashworth, 2015; Guldouzian, 2017). Sanctions should be graduated rather than absolute: fines, confiscation of equipment, and limited deprivations of rights may be appropriate for lower-risk conduct, while imprisonment should be reserved for aggravated cases involving actual exposure of security information, identification of security personnel, or serious invasion of privacy (Husak, 2008; Mirmohammad Sadeghi, 2020). In parallel, non-criminal prevention remains essential, including situational prevention through targeted inspections and warnings, and social prevention through public education and clear instructions for passengers and staff (Clarke, 1997, 2009; Welsh & Farrington, 2012).

In sum, the study shows that technological developments have exposed a meaningful weakness in the current Iranian criminal law framework when confronted with covert imaging devices used in airport environments. The problem is not merely theoretical, because the absence of clear legislative regulation reduces legal certainty, weakens preventive capacity, and leaves sensitive spaces vulnerable to forms of concealed conduct that may harm both individuals and collective security interests. A balanced response requires neither indiscriminate expansion of criminal law nor passive reliance on general post-harm provisions. Rather, what is needed is a carefully delimited legislative model that expressly addresses high-risk covert recording in controlled airport settings, distinguishes between different degrees of danger, respects

the principles of legality and proportionality, and operates alongside administrative and preventive measures. The broader significance of the research is that it demonstrates how emerging technologies force criminal law to reconsider the boundary between completed harm and unacceptable risk, especially in places where the cost of delayed intervention may be exceptionally high. The proposed approach therefore supports a measured form of criminalization grounded in doctrinal restraint, institutional necessity, and the special security character of airport environments, while preserving the fundamental commitment that criminal law must remain principled, precise, and justified.

References

- Ashraf-i, S. (2021). *Punishment of Crimes Against National and Foreign Security*. Modiran-e Andisheh Publishers.
- Ashworth, A. (2015). *Sentencing and Criminal Justice*. Cambridge University Press.
- Ashworth, A., & Zedner, L. (2014). *Preventive Justice*. Oxford University Press.
- Clarke, R. V. (1997). *Situational Crime Prevention: Successful Case Studies*.
- Clarke, R. V. (2009). *Situational Crime Prevention: Theory and Practice*.
- Duff, R. A. (2018). *The Realm of Criminal Law*. Oxford University Press.
- Guldouzian, I. (2017). *Essentials of General Criminal Law*. Mizan.
- Helli, H. i. Y. (1980). *Tadhkirat al-Fuqaha*. Al al-Bayt Institute for Reviving Heritage.
- Husak, D. (2008). *Overcriminalization: The Limits of the Criminal Law*. Oxford University Press.
- Karaki, A. i. H. (1991). *Jami al-Maqasid fi Sharh al-Qawaid*. Al al-Bayt Institute for Reviving Heritage.
- Marashi, M. H. (2005). *New Perspectives in Law*. Mizan Publishing.
- Ministry of Justice of, F. (2020). *Code pénal*.
- Mirmohammad Sadeghi, H. (2020). *Crimes Against Persons*. Mizan.
- Najafi Abbrandabadi, A. (2019). *Criminology*. SAMT.
- Welsh, B. C., & Farrington, D. P. (2012). *The Oxford Handbook of Crime Prevention*. Oxford University Press.
- Zedner, L. (2016). *Preventive Justice and the Transformation of Criminal Law*. Oxford University Press.